

گفت‌وگوی

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با حامد عنقا، نویسنده و تهیه‌کننده تلویزیون و سینما درباره وضعیت شبکه نمایش خانگی

تفنن با چاشنی لمپنیسم

- برخی سرمایه‌گذاران همراه پول، لمپنیسم را هم وارد سینما کرده‌اند**
- وزارت ارشاد در برابر سریال‌های بی‌کیفیت باید حامی مصرف‌کننده باشد**

میکائیل دینایی، احسان سالمی؛ حامد عنقا را بسیاری در سال‌های اخیر بیشتر به‌واسطه تهیه‌کنندگی سریال‌هایی مثل «پدر» و «بر سر دو راهی» به‌خاطر می‌آورند ولی واقعیت آن است که عنقا سال‌هاست به‌عنوان نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده در حوزه‌های مختلف سینمایی، تلویزیونی و شبکه نمایش خانگی حضور داشته و ماحصل کارش تولید سریال‌های مهمی مثل «قلب یخی»، «تنهایی لایلا»، «انقلاب زیبا» و «پدر» بوده است. با عنقا که سال‌ها پیش طراحی و نویسندگی اولین سریال شبکه نمایش خانگی را بر عهده داشته، در ارتباط با وضعیت فعلی سریال‌سازی در کشور بویژه در شبکه نمایش خانگی به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

■ **به‌عنوان فردی که با نوشتن «قلب یخی» اولین سناریو را برای شبکه نمایش خانگی نوشته، وضعیت این روزهای شبکه نمایش خانگی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

اولین سریالی که به شکل حرفه‌ای در شبکه نمایش خانگی و بر اساس بازار این شبکه نوشته شد، «قلب یخی» بود و «قهوه تلخ» نیز ۲ ماه بعد از این سریال وارد بازار شد. زمانی که این دو سریال وارد شبکه نمایش خانگی شد، اتفاقات عجیب و غریبی رخ داد؛ اولین اتفاق نیز موضع‌گیری سخت صداوسیما بود. مدیر وقت شبکه نمایش خانگی یعنی آقای رجیب فروتن، کارش به دادگاه کشید و مدعی آن نیز سازمان صداوسیما بود، چرا که سازمان تصور می‌کرد سریال‌سازی به شکل انحصاری در اختیارش است و مکاتبات تندی نیز بین عزت‌الله ضرغامی و وزارت ارشاد شکل گرفت. پس لرزه‌های این اتفاق نیز به ما رسید و بنده بعد از «قلب یخی» با وجود پیشنهادات زیادی که داشتم، نتوانستم تا یکی، دو سال در رسانه ملی کار کنم. اگرچه سریال ما تا آخرش پخش شد اما ۲۰۰ دقیقه از آن را حذف کردند و پایان‌بندی آن هم به‌واسطه فشار ارشاد و مسائل داخلی مربوط به فصل سوم به شکل مطلوب من نشد. «قهوه تلخ» هم نیمه‌کاره تمام شد و یک قسمت از آن نیز غیرقانونی عرضه شد. مشکلاتی که امروز دربرایش حرف می‌زنیم در حقیقت از همان ابتدا در شبکه نمایش خانگی وجود داشت. بعد از پایان این دو سریال، بساط ساخت سریال‌های جدید در شبکه نمایش خانگی تا مدتی برچیده شد و چندی بعد سریال «شاهگوش» وارد این شبکه شد. «شاهگوش» احیاکننده مجدد شبکه نمایش خانگی بود و باقبال مواجه شد. اما ساخت سریال «شاهگوش» با توجه به دادگاه‌هایی که الان در حال برگزاری است، به گونه‌ای پیوند پول‌های مشکوک با سریال‌سازی را کلید زد. ما الان در دادگاه‌های مربوط به بانک سرمایه اسم «احسان دلاویز» را می‌شنویم که در رونمایی شاهگوش از این فرد به‌عنوان سرمایه‌گذار سریال قدردانی شد و نخستین‌بار این سوال در مطبوعات مطرح شد که چگونه فردی از بیرون سینما، در سریال‌سازی سرمایه‌گذاری کرده است. هر چند قبلا هم بود و در سریسم‌افیلیم هم کم نداشتیم ولی آندر توجه رسانه‌ای را جلب نکرده بود.

■ **تا پیش از آن بعضی تصور می‌کردند تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار هر دو یک نفر هستند؛ همان حرفی که مسعود فراستی چندی پیش نیز مطرح کرد.**
بله! هیچ کجای دنیا لزومی ندارد تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار یک نفر باشند اما در ذهن جامعه ما این دو نفر یکی به حساب می‌آیند. یکی از دلایل مهمش هم این است که متناسفانه شناخت درستی از جایگاه تهیه‌کننده در طبقه فرهنگی وجود ندارد. «شاهگوش» احیاگر نمایش شبکه خانگی شد و فروش خوبی نیز داشت به‌طوری که میریاقی بعد از تمام شدن شاهگوش، «ندسون طلا» را آغاز کرد و بعد از آن در حال ساخت «ماه‌تی‌تی» بود که سرمایه‌گذار آن حسین هدایتی بود اما نیمه‌کاره ماند و آن حواشی به‌وجود آمد.

■ **البته جنابیت اقتصادی برای سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی با ساخت سریال «شهرزاد» در آذهان تشدید شد.**

درست است! البته جز سریال‌های «قلب یخی» و «قهوه تلخ» که در زمان خودشان فروش‌های بالایی داشتند و نقطه شروع سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی بودند.

■ **فروش «قلب یخی» چقدر بود؟**

«قلب یخی» در هر دوره فروش ۷۰۰ هزار تا یک میلیون نسخه فروخت و این در شرایطی بود که سیدکمال طباطبایی و جواد معماری، مدیرعامل «تصویر ندبای هنر» که شریک پروژه بودند، نگران بودند ورشکست شوند! اما الان فروش سریال‌ها ۱۰ تا ۲۰ هزار نسخه است، در کنار آن امروز دیگر موج کپی سریال‌ها را هم نداریم، در حالی که آن زمان دانون و کپی را نیز داشتیم. یعنی «قلب یخی» با وجود همه کپی‌ها و تکثیرهای غیرمجاز همچنان یکی از پرفروش‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی است.

■ **«شهرزاد»؟**
بله! مسیر اقتصادی این شبکه با «شهرزاد» احیا شد و سروصدا و حواشی سیاسی و اجتماعی که این سریال ایجاد کرد و همچنین شایعه اختلاف میان حسن فتیحی و هادی رضوی باعث شد به یکباره توجه‌ها به این سمت جلب شود که اصلا این افراد چه کسانی هستند و چه کاری انجام می‌دهند؟! البته این اتفاقات با تأسیس شرکت «تصویرستار پامار گاد» هم‌زمان شد که شایعه سرمایه‌گذاری محمد امامی در این شرکت مطرح شد و بعد از آن اسم امامی را در سرمایه‌گذاری برخی فیلم‌های خاص سینمایی

نیز می‌بینیم، از اینجا به بعد خطای بزرگی رخ داد که شاید سکوت وزارت ارشاد نیز در آن نقش داشت. رونقی که سریال «شهرزاد» از لحاظ اجتماعی و سیاسی و فکری ایجاد کرد، لزوماً با رونق اقتصادی‌اش منطبق نبود.

■ **یعنی فروش «شهرزاد» که معتقد بودند خیلی خوب است، آندقدی نبود که منجر به سوددهی شود؟**

اصلا این بحث در «شهرزاد» چندان مطرح و مهم نبود. رقم‌های عجیب و غریبی درباره سرمایه‌گذاری این سریال مطرح و همین باعث شد یک گروه از سرمایه‌گذارانی که لزوماً پول‌های‌شان از مسیرهای شفاف نبوده، احساس کنند این راه، مسیر جدیدی برای ورود آنها به سینما و شبکه نمایش خانگی است. البته فیلم‌هایی داشتیم که شرکت‌های شناخته شده پشت تولید آنها بودند اما «شهرزاد» باعث سیل ورودی کسانی به این حوزه شد که شغل‌شان فیلمسازی نبود، بلکه این کار برای‌شان تفریح بود و از آنجایی که مخاطب با محصول به این شکل برخورد نمی‌کند که سرمایه‌گذار کار را برای تفریح ساخته یا اینکه به‌عنوان فیلمساز وظیفه‌اش ساخت فیلم است، نتیجه این اتفاق آشفته‌بازار امروز شد.

■ **این ورود به نظام اقتصادی سینما و شبکه نمایش خانگی باعث افزایش آفسازگیسته دستمزدها هم شد.**

این مسأله جزو عوارض جانبی این اتفاق است. به‌طور مثال من به‌عنوان سرمایه‌گذار «دیون تاریخ و بدون امضا» وارد شدم و در کنار گردش سرمایه، می‌دانم این فیلم سیمرخ نیز می‌گیرد و به تبع آن جایگاهی نیز برای من به‌عنوان سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند اما بسیاری از افرادی که وارد این حوزه شده‌اند، شاید برای‌شان این مسأله اصلا اهمیت نداشته باشد؛ در واقع الان با دیدن عکس برخی از سرمایه‌گذاران در پشت‌صحنه برخی از فیلم‌ها و اینکه بازیگران دست در گردن آنها انداخته‌اند و با آنها سلفی می‌گیرند، می‌توان فهمید که هدف آنها از ورود به سینما چه بوده است.

■ **بحث پولشویی در سینما مطرح هست ولی با توجه به رقم‌هایی که درباره پولشویی شنیده می‌شود، به نظر نمی‌رسد شخصی بخواهد از طریق سینما پولشویی کند؛ نظر شما چیست؟**

معتقدم «تفنن» و «اهداف فرامالی» در ورود این قبیل پول‌ها به شبکه نمایش خانگی و سینما دلیل عمده است و البته نکته بسیار مهم‌تر آن است که با کمی هزینه کردن، برای خودشان «برند شخصی» ایجاد می‌کنند و خودشان را در طبقه ثروتمندی قرار می‌دهند که حالا می‌توانند با سوپرستارهای جامعه نشست و برخاست کنند تا دیگر به چشم یک کاسب خرده‌پا دیده نشوند؛ یا این حال لمپنیسمی است که در درون این افراد است، وارد سینما شده است، یک فیلم نشان دهید که توسط

این قبیل سرمایه‌گذاران ساخته شده باشد و در ستایش خصلت‌های اخلاقی و در ترویج مسائل اخلاقی و انسانی باشد، چرا همه پول‌های کثیف در راستای فیلم‌های مسأله‌دار هزینه می‌شود؟ در مجموع، چه‌قهایی که درباره پولشویی مطرح است، ۲۵۰۰ میلیارد تا ۴ هزار میلیارد تومان است. فیلم سینمایی ای که در گران‌ترین حالت با ۱۰ میلیارد ساخته می‌شود یا سریالی که در بهترین حالت با ۲۰ تا ۳۰ میلیارد تومان ساخته می‌شود، نمی‌تواند این حجم بالا از پولشویی را داشته باشد؛ چرا که کل گردش مالی سینمای ایران از ۲۴۰ تا ۳۰۰ میلیارد تومان است و اگر قرار باشد فردی خانه‌ای ۷۰۰ متری در زعفرانیه خریداری کند نیز باید اندازه بودجه یک سریال هزینه کند! این گردش اصلا به حدی نیست که اسم پولشویی را برای آن به کار ببریم، اگرچه نمی‌شود به کلی هم منکرش شد.

■ **به نظر می‌آید عدم تسلط این افراد بر اعداد و ارقام باعث می‌شود برای یک فیلم معمولی هزینه‌های بسیاری هم شود، مثلاً همین فیلم بی‌کیفیت کمال تبریزی که الان روی پرده است؛ عددهای عجیب و غریبی در آن خرج شده است.**

سرمایه‌گذار هیچ اشرافی به موضوع ندارد و برخی از آثار نیز جزو آثار سودده هستند اما به حدی هزینه‌های اضافی فیلم گران تمام می‌شود که به سوددهی نمی‌رسد. سرمایه‌گذار می‌گوید فیلمم فروش نداشت اما سیمرخ گرفته است؛ حتی یکی از دوستان می‌گفت به دفتر یکی از این سرمایه‌گذاران رفته و دیده سیمرخی که بازیگر آن فیلم گرفته، در دفتر کار سرمایه‌گذار است و می‌خواسته با این کار سیمرخ گرفتن فیلمش را نشان دهد. ازطرفی چون علاقه‌مند به ایجاد همین متناسبات هستند قریب‌هایی را پرداخت می‌کنند که در نهایت آسیب جدی به بدنه سینما وارد می‌کند و یکی از دلایل پرداخت

رقم‌های عجیب و غریبی که می‌شنوید همین است.

■ **قریب به ۱۰ سال از فعال شدن شبکه نمایش خانگی می‌گذرد و سال گذشته نیز چند سریال در این حوزه داشتیم که اکثراً موفق نبوده‌اند. «رقص روی شیشه»، «حضار» و «هنگ آبی»**

سریال‌هایی هستند که یا نیمه‌کاره رها شده یا شکست تجاری خورده‌اند؛ به نظر شما با توجه به این وضعیت دیگر وقت آن نرسیده که تغییری در سریال‌سازی شبکه نمایش خانگی بدهیم؟

سال‌های ۹۷ و ۹۸ به لحاظ کمی بالاترین سطح سریال‌سازی در حوزه شبکه نمایش خانگی را تجربه کرده است. بخشی از این مسأله به‌خاطر نداشتن سیستم درست بازار عرضه و تقاضاست؛ یعنی در یک مقطعی چون «شهرزاد» موفق شد، همه وارد بازار شدند و سریال عاشقانه ساختند و الان ۴ سریال در مرحله توزیع داریم که آثار سیروس مقدم، سه‌پهلی‌زاده، منوچهر هادی و… از جمله آنهاست. یکی از مشکلات ما این است که وزارت ارشاد می‌گوید سریال‌سازی بخش نمایش خانگی، متعلق به بخش خصوصی است و خودش باید کارها را انجام دهد، هر چند این حرف درست است اما سوال این است که واقعا چرخه اقتصادی ما، چرخه اقتصادی بازار است؟ اگر سریالی فروشد، سرمایه‌گذاری که اصلا باعث می‌شود ما از لحاظ کمی تولید داریم اما چون حقوق مصرف‌کننده‌بردستی لحاظ نمی‌شود، متضرر اصلی مصرف‌کننده و هنرمند است که اعتبارش را از دست می‌دهد. شبکه نمایش نباید به ابزاری برای تفنن و لذت‌افزایی بدل شود که بعضی از آنها حتی شفافیت مالی درستی هم ندارند.

■ **بعد از چندین سال وزارت ارشاد باید به این جمع‌بندی برسد که سازوکار مشخصی را برای شبکه نمایش خانگی در نظر بگیرد که حداقل مخاطبان ضرر نکنند.**

این تنها بخشی است که وزارت ارشاد حق ورود به آن را دارد. سازمان صداوسیما وقتی بودجه‌ای را در اختیار بنده می‌گذارد، ناظران مالی و محتوایی را تعیین می‌کند تا مبدا بودجه ۳ میلیاردی از آن نگیرم ولی در مقابل کاری با هزینه یک میلیاردی بسازم. حتی زمانی که کار تولید تمام شد نیز ارزیابی از سوی رسانه ملی انجام می‌شود، چرا که می‌خواهد بافتی دستمزد بنده را بدهد. اما در وزارت ارشاد مسأله متفاوت است، چرا که شخص می‌گوید می‌خواهد به جای استفاده از یک بازیگر یک میلیاردی، از یک بازیگر ۱۰۰ میلیون تومانی استفاده کند، در اینجا وزارت ارشاد می‌گوید ریسک کار در صورت عدم فروش با خود شخص است. اما اگر ما با سیستم نظارتی و هدایتی کار کنیم، نه سیستم تصدی‌گری دولتی، وزارت ارشاد باید در ۲ مقوله ورود کند؛ یکی

بحث موضوعات و محتواست که باید به استراتژی بلند فرهنگی کشور توجه کند، البته وزارت ارشاد حق ندارد بگوید چرا فلان موضوع در فلان سریال مطرح می‌شود، چرا که ما پروانه ساخت داریم و وزارت ارشاد می‌تواند پروانه ساخت را لغو کند. به عبارت دیگر اینکه فلان سریال می‌شود خانواده‌هایی که دختر نوجوان دارند، یک تهدید محسوب می‌شود و اینکه وزارت ارشاد بر روی سریال بنویسد مناسب سن ۱۵ سال به پایین نیست هم موضوع را حل نمی‌کند. از سوی دیگر این کار با ادعاهای فرهنگی که ما در نظام فرهنگی‌مان داریم، همخوانی ندارد. یک زمانی به یک مدیر وقت فرهنگی در جشنواره فیلم فجر گفتم در دوران پهلوی نیز چنین وضعیتی نبوده که در آثار بینیم یک زن شوهردار خودخواسته وارد یک رابطه دیگری شود؛ آن مدیر به من گفتم به دخترانی که در این سالن هستند، نگاه کن و وضعیت‌شان را ببین؛ به او گفتم این دختران قرار است شبیه فیلمی شوند که تو نمایش می‌دهی، نه اینکه فیلم تو شبیه این دختران شود؛ حتی اگر به اسناد دوران پهلوی نیز مراجعه کنیم، می‌بینیم اداره سانسور آن وقت نیز با وجود اینکه ترویج بی‌بندوباری داشته اما باز روی برخی مسائل تأکید داشته است. در آمریکا نیز اگر قرار باشد کارگردانی مسائل غیراخلاقی را در فیلمش نمایش دهد، برای او شروطی را در زمان اکران در نظر می‌گیرند؛ به‌طور مثال این قبیل آثار نمی‌تواند در سینماهایی که نزدیک دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه است، به نمایش درآید. با تعداد سینماهای اکران‌دهنده را محدود می‌کنند



تا جایی که تهیه‌کننده این آثار چون خطر اقتصادی تهدیدش می‌کند، دیگر سراغ ساخت این آثار نمی‌رود. غالب سینمای آمریکا نهاد خانواده‌شان را تهدید نمی‌کند اما ما چون یک مصرف‌کننده بی‌سواد هستیم، تنها سمت دیگر این آثار را می‌بینیم.

■ **ما شورای پروانه فیلمنامه، پروانه ساخت و… را داریم و در حوزه سینما همه این مسیرها طی می‌شود و در شبکه نمایش خانگی هم وجود دارد اما گویی جدیدی برای آن وجود ندارد.**

اینطور نیست که در شبکه خانگی جدیدی وجود نداشته باشد، بلکه بردستی رصدنی‌شود. یعنی براحتی متوجه نمی‌شویم زیرمتمن یک قصه مخرب است، نه اینکه روسری یک زن برای ما تبدیل به خطری بزرگ شود؛ بارها گفته‌ام عقب بودن روسری یک خانم خطر خیلی بزرگی نیست، بلکه خطر اصلی مدیر فرهنگی است که نسبت به این مسأله بی‌توجه شده و ما باید این مشکل را حل کنیم. وزارت ارشاد باید در حوزه موضوع و داستان ورود کند و در جای دیگر در حوزه حقوق مصرف‌کننده ورود داشته باشد و باید از حقوق مخاطب نیز دفاع کند. گاهی می‌گویند فلان تهیه‌کننده، فلان کار را انجام نداده و وزارت ارشاد نیز آن را برای مدتی ممنوع‌الکار می‌کند، مانند اتفاقی که برای یکی از سریال‌های متاخر روی داد اما مسأله این است که حقوق مصرف‌کننده‌ها هم تأمین نشده است.

■ **مدل خارجی برای رسیدگی به این مشکلات چیست؟**

دادگاهی شدن! در خارج گروه‌های حقوقی زیادی برای حفظ حقوق مصرف‌کننده وجود دارد تا جایی که اگر چنین مسأله‌ای رخ دهد براحتی کل گروه سریال‌سازی را به دادگاه می‌کشانند و در آنجا به حدی جریمه‌های سنگین برای فرد خاطی در نظر گرفته می‌شود که دیگر کسی به ذهنش هم خطور نکند چنین کاری را در سریال‌سازی انجام دهد. در ایران وزارت ارشاد می‌گوید ابزاری برای این کار ندارد اما ما قوقضائیه را داریم، چرا همیشه قوقضائیه باید از لحاظ محتوایی به این حوزه وارد شود و یکبار وزارت ارشاد به‌عنوان نماینده و مدعی‌العموم مردمی که به این دولت رای داده‌اند و مدیران فرهنگی که مشروعبت‌شان را از همین مردمی که DVD می‌خرند گرفته‌اند، از تهیه‌کننده و پخش‌کننده نزد قوقضائیه شکایت نمی‌کنند؟ وزارت ارشاد باید تهیه‌کننده را ملزم به اتمام کار کند یا با شکایت کردن از او، تهیه‌کنندگان بعدی را ملزم به درست‌کار کردن کند. قطعاً با بیاییه دادن و توثیت و مصاحبه کردن مشکل بازار حل نخواهد شد.

■ **حامد عنقا بعد از «قلب یخی» سریال «بیکسل» که اولین سریال تعاملی ایران محسوب می‌شود را تولید کرده اما چرا این سریال توزیع نمی‌شود؟**

کار تولید «بیکسل» ۲ سال است که تمام شده، البته تنها یک سریال نیست و یک پروژه محسوب می‌شود که محتوای سریال تنها یکی از چند بخش این پروژه است؛ یعنی در حاشیه پخش سریال، اتفاقات دیگری مانند برگزاری مسابقه و… هم هست که باعث شده یک بکیچ کمبل را داشته باشیم. همان ۲ سال پیش با یک مجموعه‌ای که جزو اولین «آی‌بی‌تی‌وی»‌ها بود، قراردادی امضا کردیم و بر اساس آن واگذاری حق پخش به جهت برندی‌نگ آن مجموعه انجام شد. این مجموعه هنوز همه ابعادی را که این پروژه برای نیاز تجاری خودش لازم دارد تأمین نکرده و قرار بود همه‌مان این کار را انجام دهیم که به تاخیر افتاد. مجدداً قرار شد برای بعد از این عید این کار را انجام دهیم که باز هم به تاخیر افتاده است.

■ **تا توجه به اینکه شبکه نمایش خانگی بشدت درآمدهای بازیگران را افزایش داده و به تبع آن برخی تهیه‌کنندگان در بن‌بست مالی قرار می‌گیرند، چه راهکاری برای این مسأله در نظر گرفته شده است؟**

این مسأله یک معضل بسیار بزرگ است. مثلاً الان بازیگری که ارزش ریالی‌اش برای پروژه‌ها ۵۰۰ میلیون تومان بیشتر نیست، توقع دستمزد ۴ میلیارد تومانی دارد و به تبع آن بنده این پول را هزینه نمی‌کنم اما چون در پروژه دیگری این پول به او پرداخت می‌شود، طبیعتاً این روند ادامه دارد. یعنی تا زمانی که چنین پول‌هایی به سینما و شبکه نمایش خانگی تزریق می‌شود، پول‌هایی که لزوماً پشت آن فکر اقتصادی نیست و اهداف دیگری دنبال می‌شود، قطعاً این معضل حل نمی‌شود. هیچ تهیه‌کننده حرفه‌ای (منظورم تهیه‌کننده‌های متمول تفننی نیست) را پیدا نمی‌کنید که دوست داشته باشد چنین پول‌هایی را بپردازد؛ چرا که خودش در پروژه‌های بعدی دیگر نمی‌تواند کار کند. امروز به وضعیتی رسیدهایم که تهیه‌کنندگان اصلی و تجاری در عمل اسکان کار کردن ندارند و به همین دلیل

است که با یکسری افراد روبرو هستیم که تنها به‌واسطه همین پول‌ها فعالیت می‌کنند.

■ **به نظر شما فرآیند تولید آثار بی‌کیفیت در شبکه نمایش خانگی، آینده آن را دچار مشکل نمی‌کند؟**

اگر این اتفاق رخ دهد، قطعاً برای شبکه نمایش خانگی جای خطر خواهد بود اما مسأله این است که منظور تان از سریال‌های بی‌کیفیت، کدام سریال‌هاست؟

■ **اگر بخواهیم بدون اسم بردن از اثری بگوییم باید گفت منظور در واقع تجربه مخاطب از سریال‌هایی است که در این چند سال در شبکه نمایش خانگی توزیع شده است.**

حواشی این آثار آنها را بی‌کیفیت کرده است. مثلاً معتقدم اگر قصه «رقص روی شیشه» به اتمام می‌رسید و حواشی ایجاد شده برای آن نیز وجود نداشت، جزو آثار بی‌شمار می‌رفت که مخاطب خود را پیدا می‌کرد و البته جزو آثار بی‌کیفیت نیز نبوده است. یا سریال «هنگ آبی» ابزار کافی را برای اینکه کار باکیفیتی باشد دارد. سریال «هیولا» هم می‌تواند کار درخوری باشد.

■ **در شرایط فعلی تصور می‌کنید صداوسیما بتواند فرآیند بازار را بیش از پیش در دست بگیرد؟**

امیدوارم. چند هفته پیش با جام جم مصاحبه‌ای داشتم و در آن گفتم مسأله کم شدن مخاطب رسانه ملی را قبول ندارم و معتقدم مخاطب صداوسیما گزینه‌های متفاوتی را برای تماشا کردن پیدا کرده است. بر اساس آمار «پایتخت» و «پدر» در آن زمان جزو سراسریال‌های پرمخاطب بوده که البته این به معنی بی‌مخاطب بودن سریال‌های روتین شبکه‌های دیگر نیست، بلکه این گزینه‌های دیگری پیش روی مخاطب است. حال در کنار این گزینه‌ها، سریال‌های شبکه نمایش خانگی و سریال‌های ماهواره‌ای نیز به آن اضافه شده و قطعاً برنده این وضعیت کسی است که موقعیت خطیر کنونی را درک می‌کند. رسیدن به وضعیت مطلوب و مدیریت شرایط هم مستلزم این است که تهیه‌کنندگانی را که به‌صورت تفننی و با عملکرد غیرشفاف وارد این حوزه می‌شوند با راهکارهای قانونی مدیریت کنیم و اجازه هر کاری به آنها ندهیم. ■ **آرداکی که شما دربارهاش صحبت می‌کنید، چطور به‌دست می‌آید؟ مسا دوران تلاشی سریال‌سازی را داشتیم؟ در نهایت تهیه‌کنندگان و کارگردانان می‌گویند آن برهه، جزو دوران بسیار خوب رسانه ملی بوده است.**

چرا که ما در آن زمان به قاعده سریال‌سازی می‌کردیم. کار یک مدیر چیست؟ قطعاً در وهله اول چیدن یک تیم درست، ایجاد فضای امن برای آن تیم و مراقبت از رسیدن محتوا به مخاطب است.

■ **منظور تان این است که وقتی میریاقی «مختارنامه» را ساخت، رسانه ملی نباید این فرد را رها کند که سر بازار نمایش خانگی در بیازود؟**

دقیقا منظورم همین است. رسانه ملی باید بعد از مختار شرایطی را ایجاد می‌کرد تا میریاقی سریال دومش را بسازد ولی زمانی که به کمی‌سازی می‌افتیم و کمی‌سازی را به درون شوراها و راهروها می‌اندازیم، نتایج‌اش این می‌شود که در طول یک سال ۳ سریال شاخص تولید می‌شود و مخاطب اسم بافتی سریال‌ها را هم به خاطر نمی‌آورد! ما مگر هر شبکه در طول یک سال توانایی پخش چند سریال را دارد؟ در نهایت

۶ سریال بتواند پخش کند و ما نیز ۳ شبکه اصلی داریم که در مجموع ۱۸ سریال می‌شود؛ حالا چرا باید ۱۰۰ سریال بسازیم، اصلا به جای ۱۸ سریال، ۲۲ سریال ساخته شود که رده‌بندی «الف» و «ب» دارد.

■ **به‌عنوان سؤال آخر، کمی به جریان کاری حامد عنقا در سال پیش و بربر دزایم؛ قرار است چه بسازید؟**

قرار است به دوران «قلب یخی» در شبکه نمایش خانگی نزدیک شوم و کاری را دست بگیریم که بعدا بدانش در می‌آید ولی امسال برنامه‌ای برای آثار سینمایی ندارم، البته در ۲ اثر سینمایی به‌عنوان سرمایه‌گذار شریک هستم و به احتمال زیاد این آثار به جشنواره فجر امسال می‌آیند و آنها را خواهید دید. یک نکته را هم عرض کنم؛ بنده اعتقاد دارم شبکه نمایش خانگی یک مدیای مهم است و نباید آن را به امان خدا رها کرد. در ماجرای نفوذ و جنگ نرم خیلی‌ها تنگه را رها کردند و رفتند سراغ جمع کردن غنیمت، شبکه نمایش خانگی امروز مثل همان تنگه احد است؛ ره‌ایش کرده‌ایم و رفتن‌ایم. سراغ غنایم، باید به این حوزه مهم طوری ورود کرد که در تعامل با تلویزیون موجب هم‌افزایی شود. یعنی شبکه نمایش خانگی می‌تواند در عین انجام وظایف و اهدافی که برایش متصور می‌شود، برای تلویزیون هم خوراک تولید کند. شبکه‌نمایش خانگی می‌تواند اصلا بخشی از برنامه‌های تلویزیون را تأمین کند و ما باید به این نقطه برسیم.